فصلنامه حسابداری مالی/سال دوازدهم/ شماره ۴۶/تابستان ۹۹/صفحات ۴۸- ۲۲

واکاوی اجتناب مالیاتی در پرتو ساختار مالکیت با نقش تعدیلی کیفیت حسابرسی: آزمون نظریه نمایندگی

یاسر رضائی پیته نوئی *
محمد غلامرضاپور**

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۳/۱۲ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۸/۰۷

چکیده

عوامل مختلفی بر اجتناب مالیاتی شرکت‌ها تأثیرگذار بوده که یکی از این عوامل، ساختار مالکیت می‌باشد. لذا، پژوهش حاضر درصدد است به بررسی رابطه بین مالکیت خانوادگی به عنوان یکی از ساختارهای مالکیت، با اجتناب مالیاتی شرکت‌ها با توجه به نظریه نمایندگی و نیز اثر تعدیل‌کنندگی کیفیت حسابرسی بر این رابطه بپردازد. فرضیه‌های تحقیق نیز با استفاده از نمونه‌ای متشکل از ۱۲۶ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی سال‌های ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۶ و با بهره‌گیری از مدل‌های رگرسیون چندمتغیره مبتنی بر تکنیک داده‌های ترکیبی مورد بررسی قرار گرفتند. نتایج پژوهش با توجه به نظریه نمایندگی نشان می‌دهد که بین مالکیت خانوادگی و اجتناب مالیاتی رابطه منفی معنادار وجود دارد. به‌عبارت‌دیگر یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که مالکیت خانوادگی، به دلیل همسویی منافع بین مدیران و مالکان و مسائل نمایندگی کمتر در آن، موجب کاهش اجتناب مالیاتی شرکت‌ها می‌گردد. بااین‌حال، شواهدی مبنی بر تأثیر کیفیت حسابرسی بر رابطه بین مالکیت خانوادگی و اجتناب مالیاتی شرکت‌ها یافت نشد. همچنین، نتایج آزمون تحلیل حساسیت نشان داد که استفاده از معیار جایگزین برای سنجش اجتناب مالیاتی نیز تأثیری بر نتایج اصلی پژوهش ندارد و نتایج پژوهش از استحکام برخوردار است.

واژه‌های کلیدی: مالکیت خانوادگی، اجتناب مالیاتی، کیفیت حسابرسی، نظریه نمایندگی.

* استادیار حسابداری، دانشکدهٔ ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه گیلان، رشت، ایران (نویسنده مسئول)
Email: Rezaei.yasser@gmail.com

**کارشناس ارشد حسابداری، حسابرس موسسه بهداد حساب آریا.
Email: Mohammad.gh5736@gmail.com

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-24]

[DOR: 20.1001.1.23452617.1399.12.46.2.4]

۱- مقدمه

به دلیل نقش خاص مالیات و تأثیرات اقتصادی آن، موضوع مالیات و قوانین و سازوکارهای مربوط به آن، از دیرباز موردتوجه صاحبنظران اقتصاد و مالی قرار داشته است (مشایخی و سیدی، ۱۳۹۴). بااین‌حال، مالیات بر درآمد از منظر شرکت‌ها هزینه است (ولک، دود و روزیکی[1]، ۲۰۱۳) و شرکت‌ها انگیزه خواهند داشت به‌منظور افزایش ارزش شرکت تا حد ممکن در هزینه‌های خود صرفه‌جویی نمایند. در این میان، اجتناب مالیاتی از جمله فعالیت‌هایی است که ممکن است شرکت‌ها توسط آن سعی در کاهش مالیات نمایند. اجتناب مالیاتی، همواره به عنوان یک استراتژی مهم برای شرکت محسوب شده که توجه بسیاری از محققین را به خود جلب نموده است (چن، هو، وانگ و تانگ[2]، ۲۰۱۴). با وجود این که تقریباً در هر کشوری قوانینی برای جلوگیری از اجتناب مالیاتی وجود دارد، ولی شرکت‌ها در سراسر جهان برای استخدام حسابدارانی جهت یافتن راهی برای پرداخت مالیات کمتر، هزینه‌های زیادی را متحمل می‌شوند (آنار، صالیحو و اوبید[3]، ۲۰۱۴). به‌طور معمول چنین استدلال می‌شود که اجتناب مالیاتی سبب انتقال ثروت از دولت به شرکت‌ها شده و بدین ترتیب باعث افزایش ارزش شرکت می‌گردد. در صورتی که در بلندمدت اجتناب از پرداخت مالیات می‌تواند هزینه‌های قابل‌توجهی را به شرکت‌ها و مدیران آن‌ها نظیر حق‌الزحمه‌های پرداختی به کارشناسان مالیاتی، زمان اختصاص داده شده به حل و فصل ممیزی مالیاتی، کاهش شهرت و اعتبار و جرائم پرداختی به مقامات مالیاتی تحمیل کند (رگو و ویلسون[4]، ۲۰۱۲). انگیزه برای اجتناب مالیاتی ممکن است از عوامل مختلفی همچون اندازه، اهرم مالی، سودآوری و حاکمیت شرکتی تأثیر پذیرد (لانیس و ریچاردسون[5]، ۲۰۱۱؛ دیرنگ، هانلون و میدو[6]، ۲۰۰۸؛ مینیک و نوگا[7]، ۲۰۱۰؛ چن، چن، چن و شولین[8]، ۲۰۱۰). تعدادی از مطالعات اخیر روابط خانوادگی را به عنوان یک محیط منحصربه‌فرد از سازمان‌های اقتصادی معرفی کرده‌اند (رندوی و گوئل[9]، ۲۰۰۳). بر پایه نظریه نمایندگی، انتظار می‌رود که شرکت‌های خانوادگی به دلیل همسویی منافع بین مدیران و

1 Wolk, Dodd and Rozycki
2 Chen, Hu, Wang and Tang
3 Annuar, Salihu and Obid
4 Rego and Wilson
5 Lanis and Richardson
6 Dyreng, Hanlon and Maydew
7 Minnick and Noga
8 Chen, Chen, Cheng and Shevlin
9 Randoy and Goel

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-24]
[DOR: 20.1001.1.23452617.1399.12.46.2.4]

مالکان با مسائل نمایندگی کمتری روبرو باشند (جنسن و مک‌لینگ[1]، ۱۹۷۶)؛ بنابراین، رابطه خانوادگی یک نوع ساختار مالکیت مهم است که مشکلات بالقوه رفتار مدیریتی فرصت‌طلبانه را کاهش می‌دهد؛ اما بر اساس نظریه تصاحب منافع شخصی، مالکیت خانوادگی می‌تواند میان این نوع مالکان و سهامداران جزء، مسائل نمایندگی به وجود آورد؛ زیرا شرکت‌های خانوادگی غالباً به دنبال سوءاستفاده از سهامداران جزء در جهت تأمین منافع شخصی و در نتیجه، افزایش ثروت خود هستند (باء، کانگ و کیم[2]، ۲۰۰۲). یکی از ابزارهای مالکان خانوادگی در جهت تأمین منافع شخصی آنان، ارتکاب فعالیت‌های اجتناب مالیاتی است. چرا که چنین فعالیت‌هایی مستلزم پنهان نمودن حقایق و انجام معاملات پیچیده از سوی مدیران شرکت‌ها بوده و بدین ترتیب، توانایی سهامداران جزء برای نظارت بر رفتارهای مدیریتی کاهش‌یافته و در نتیجه، سپری برای فرصت‌طلبی مدیران فراهم می‌سازد (گایا، نادیا و فاتن[3]، ۲۰۱۷).

از طرفی کیفیت حسابرسی نیز به عنوان یکی از ویژگی‌های حاکمیت شرکتی شناخته شده است و نقش مهمی در حل مشکلات ناشی از درگیری منافع بین شرکت‌ها و سهامداران آن‌ها دارد (ریچاردسون، تیلور و لانیس[4]، ۲۰۱۳). از این رو، انتظار می‌رود که کیفیت حسابرسی رابطه بین مالکیت خانوادگی و اجتناب مالیاتی شرکت‌ها را تعدیل کند. بااین‌حال، در عمده مطالعات داخلی انجام شده، این موضوع نادیده انگاشته شده و یک فضای خالی در ادبیات حسابداری و مالیاتی برای پژوهش در این‌باره وجود دارد که این خود، انگیزه‌ای جهت انجام پژوهش حاضر می‌باشد. لذا پژوهش حاضر درصدد است که رابطه بین مالکیت خانوادگی با اجتناب مالیاتی شرکت و همچنین اثر تعدیل‌کنندگی کیفیت حسابرسی بر این رابطه را مورد بررسی قرار دهد. پرسش اصلی پژوهش آن است که آیا بین مالکیت خانوادگی با اجتناب مالیاتی شرکت‌ها رابطه معناداری وجود دارد؟ علاوه بر این آیا این رابطه تحت تأثیر کیفیت حسابرسی قرار می‌گیرد؟ و در صورت مثبت بودن پاسخ، نوع رابطه چگونه می‌باشد؟

نتایج پژوهش حاضر می‌تواند موجب بسط مبانی تجربی پژوهش‌های گذشته شود و به توسعه ادبیات حسابداری، حسابرسی و مالیاتی در کشورهای در حال توسعه از جمله بازار سرمایه نوظهور ایران، کمک شایانی نماید. همچنین شواهد پژوهش نشان خواهد داد که تا چه اندازه، مالکیت خانوادگی می‌تواند بر میزان اجتناب مالیاتی شرکت‌ها اثرگذار باشد و آیا این رابطه تحت تأثیر کیفیت حسابرسی قرار می‌گیرد یا خیر؛ که این موضوع به عنوان یک دستاورد

1 Jensen and Meckling
2 Bae, Kang and Kim
3 Gaaya, Nadia and Faten
4 Richardson, Taylor and Lanis

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-24]
[DOR: 20.1001.1.23452617.1399.12.46.2.4]

علمی می‌تواند اطلاعات سودمندی را در اختیار سرمایه‌گذاران، قانون‌گذاران بازار سرمایه، تدوین‌کنندگان استانداردهای حسابداری و سایر استفاده‌کنندگان اطلاعات حسابداری قرار دهد. در ادامه، ساختار مقاله به این شکل است که در بخش‌های بعدی پژوهش، ابتدا مبانی نظری، فرضیه‌ها و پیشینه پژوهش ارائه شده است. سپس با بیان یافته‌ها و نتیجه‌گیری و ارائهٔ پیشنهادها، پژوهش به پایان می‌رسد.

۲- مبانی نظری و مروری بر پیشینه پژوهش

۲-۱- مالکیت خانوادگی و اجتناب مالیاتی

موضوعات مربوط به اجتناب مالیاتی از زمان شکل‌گیری قوانین مالیات، با ابهامات و مسائلی مواجه بوده است که این امر در جوامعی که در آن مالیات وضع می‌گردد، شایع‌تر می‌باشد. این تهدید بیشتر در میان مؤدیان حقوقی که مالیات بر درآمد شرکت‌ها را پرداخت می‌نمایند، رایج است. اجتناب مالیاتی از جمله فعالیت‌هایی است که ممکن است شرکت‌ها توسط آن سعی در کاهش مالیات نمایند. با وجود این که تقریباً در هر کشوری قوانینی برای جلوگیری از اجتناب مالیاتی وجود دارد، ولی شرکت‌ها در سراسر جهان برای استخدام حسابدارانی جهت یافتن راهی برای پرداخت مالیات کمتر، هزینه‌های زیادی را متحمل می‌شوند (آنار و همکاران، ۲۰۱۴)؛ لیکن، اجتناب مالیاتی می‌تواند دارای پیامدهای بالقوهٔ مستقیم و غیرمستقیم بسیاری باشد. کاهش هزینهٔ مالیات و افزایش جریان نقدی و افزایش ثروت سهامداران از جمله پیامدهای مستقیم و احتمال وضع مالیات بیشتر و در نظر گرفتن جرائم مالیاتی و فشار احتمالی دولت برای در نظر گرفتن مالیات بیشتر از این بنگاه‌ها، کاهش مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها و به‌تبع آن، کاهش ارزش شرکت، از جملهٔ پیامدهای غیرمستقیم فعالیت‌های اجتناب مالیاتی می‌باشند (هانلون و هیتزمن[1]، ۲۰۱۰)؛ بنابراین، تعیین عوامل تأثیرگذار بر سطح اجتناب مالیاتی شرکت‌ها اهمیت زیادی دارد. نتایج پژوهش‌های اخیر نشان می‌دهد که یکی از عوامل تأثیرگذار بر اجتناب مالیاتی شرکت‌ها، ساختار مالکیت است (گایا و همکاران، ۲۰۱۷).

شرکت‌های خانوادگی را می‌توان از جنبه‌های گوناگون تعریف کرد. عضویت اعضای خانواده در هیئت‌مدیره، درصد مالکیت سهم از سوی اعضای خانواده و کنترل یا نفوذ قابل ملاحظهٔ خانواده در شرکت، از عواملی هستند که شرکت‌های خانوادگی به کمک آن‌ها تعریف می‌شوند (نمازی و اکبری قورقچی، ۱۳۹۱). در مقایسه با دیگر سهامداران، مالکیت خانوادگی به عنوان یک ساختار سازمانی مؤثر در نظر گرفته می‌شود (رندبوی و گوئل[2]، ۲۰۰۳؛ آندرس[1]، ۲۰۰۸).

1 Hanlon and Heitzman
2 Randoy and Goel

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-24]
[DOR: 20.1001.1.23452617.1399.12.46.2.4]

شرکت‌های خانوادگی دارای تمرکز مالکیت بیشتر، سیاست‌های متنوع کمتر و اهداف بلندمدت‌تر هستند و همچنین نگرانی بیشتری بابت شهرت خود دارند (چن و همکاران، ۲۰۱۰). علاوه بر این در شرکت‌های خانوادگی، معمولاً اعضای خانواده نه تنها مالک شرکت، بلکه مدیر نیز هستند و می‌توانند بر تصمیمات شرکت تأثیر بگذارند.

دو دیدگاه متفاوت اثر مالکیت خانوادگی بر اجتناب مالیاتی شرکت‌ها را بیان نمودند؛ بر اساس تئوری نمایندگی، در شرکت‌های خانوادگی به دلیل تمرکز مالکیت بیشتر و همسویی منافع بین مدیران و مالکان، مسائل نمایندگی و عدم تقارن اطلاعاتی کاهش می‌یابد (جنسن و مکلینگ، ۱۹۷۶). نتایج پژوهش‌های اخیر بیانگر آن است که مالکان خانوادگی بیشتر از سایرین نگران جریمه‌های بالقوه و لطمه به خوشنامی و اعتبار ناشی از ممیزی دولت می‌باشند و انگیزه کمتری برای اجتناب مالیاتی دارند. مالکان خانوادگی مراقب شهرت و نام شرکتشان هستند زیرا شرکت‌هایشان به‌صورت موروثی به نسل‌های آینده منتقل می‌شود (کاسون[۲]، ۱۹۹۹). مالکان خانوادگی شرکت‌های خود را به عنوان میراثی برای انتقال به جانشینان خود در نظر می‌گیرند؛ بنابراین، به‌جای سودآوری کوتاه‌مدت نگران ارزش بلندمدت کسب‌وکار خود هستند. این استدلال نشان می‌دهد که به عنوان یک ویژگی حاکمیت شرکتی، مالکیت خانوادگی، مشکل بالقوه فرصت‌طلبی مدیریتی را کاهش می‌دهد و منجر به موقعیت‌های اجتناب مالیاتی کمتری می‌شود. چن و همکاران (۲۰۱۰) نیز دریافتند که شرکت‌های خانوادگی اجتناب مالیاتی کمتری نسبت به شرکت‌های غیر خانوادگی دارند.

دیدگاه مخالف بیان می‌کند که مالکیت خانوادگی منجر به بروز مسائل نمایندگی بین سهامداران عمده و سهامداران جزء می‌گردد. چراکه در این‌گونه شرکت‌ها، سهامداران عمده و خانوادگی سعی در تأمین منافع شخصی خود با هزینه سهامداران جزء دارند (القول، گودهامی، وانگ و کوک[۳]، ۲۰۱۶). همسو با این دیدگاه، پژوهش‌های متعددی به موضوع انحراف منابع و کسب منافع شخصی از سهامداران جزء در شرکت‌های خانوادگی پرداخته‌اند. به‌عنوان‌مثال، آندرسون، دورو و ریب[۴] (۲۰۱۲) دریافتند که شرکت‌های خانوادگی تمایل چندانی به سرمایه-گذاری در فعالیت‌های تحقیق و توسعه ندارند. به‌طور مشابه، برتراند، مهتا و مولیناتان[۵] (۲۰۰۲) و باء و همکاران (۲۰۰۲) به شواهدی مبنی بر رفتار فرصت‌طلبانه و انحراف منابع در شرکت‌های

1 Andres
2 Casson
3 El Ghoul, Guedhami, Wang and Kwok
4 Anderson, Duru and Reeb
5 Bertrand, Mehta and Mullainathan

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-24]
[DOR: 20.1001.1.23452617.1399.12.46.2.4]

خانوادگی هندی و شرکت‌های خانوادگی کره‌ای دست یافتند که چنین رفتارهایی کاهش بازده در شرکت‌های خانوادگی را به همراه خواهد داشت. در پژوهشی دیگر، لیتز، ولپین و واگنر[1] (۲۰۱۳) نشان دادند که شرکت‌های خانوادگی از عملکرد پایینی در دوران بحران اقتصادی برخوردار بودند. در خصوص تمایل مالکان خانوادگی به ارتکاب فعالیت‌های اجتناب مالیاتی، چنین استدلال می‌شود ازآنجاکه اجتناب مالیاتی مستلزم انجام معاملات پیچیده از سوی مدیران شرکت‌هاست و توانایی سهامداران جزء برای نظارت بر رفتار مدیران را کاهش می‌دهد؛ لذا مکانیزم مناسبی در جهت تأمین منافع شخصی مالکان خانوادگی به شمار می‌رود (گایا و همکاران، ۲۰۱۷). علاوه بر این، معمولاً خانواده‌هایی که مالکیت شرکت‌ها را بر عهده دارند، به دنبال افزایش قدرت خود و حفظ مالکیت موروثی شرکت در میان اعضای خانواده و نسل‌های آتی خود هستند که در این میان، نگهداشت وجه نقد ابزاری برای اجتناب از خطرات احتمالی ورشکستگی و افزایش ثروت خانواده محسوب می‌شود (دران، لوزانوند و یاما[2]، ۲۰۱۶)؛ بنابراین، ازآنجاکه سیاست‌های اجتناب مالیاتی باعث کاهش خروج وجه نقد از شرکت می‌گردد، لذا انتظار می‌رود که شرکت‌های خانوادگی، اجتناب مالیاتی نیز بیشتری داشته باشند.

دیدگاه‌های مطرح شده نشان می‌دهد که نوع رابطه بین مالکیت خانوادگی و اجتناب مالیاتی مبهم است؛ بنابراین، پاسخ به این پرسش که مالکیت خانوادگی تأثیر مثبت یا منفی بر اجتناب مالیاتی شرکت‌ها دارد، مقوله‌ای است که با قاطعیت نمی‌توان به آن پاسخ داد و پژوهش حاضر در پی یافتن پاسخی برای این سؤال می‌باشد. لذا با توجه به مطالب مطروحه فوق، فرضیه نخست پژوهش به‌صورت زیر تبیین می‌شود:

فرضیه اول پژوهش: بین مالکیت خانوادگی و اجتناب مالیاتی شرکت‌ها رابطه معنادار وجود دارد.

۲-۲- کیفیت حسابرسی، مالکیت خانوادگی و اجتناب مالیاتی

با توجه به نظریه نمایندگی، کیفیت حسابرسی در کاهش تضاد منافع بین مدیران و سهامداران نقش مهمی دارد. کیفیت حسابرسی یک از ویژگی‌های حاکمیت شرکتی است که اقدامات مدیران را کنترل می‌کند و مانع از دستکاری حسابداری و فعالیت‌های فرصت‌طلبانه و متقلبانه می‌شود (دی‌آنجلو و ماسولاس[3]، ۱۹۸۰). انتظار می‌رود حسابرسان خارجی، قضاوت مستقل درباره صورت‌های مالی شرکت ارائه داده و در حسابرسی‌های خود این مورد را ارزیابی نمایند

1 Lins, Volpin and Wagner
2 Dur´an, Lozanoand and Yama
3 DeAngelo and Masulis

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-24]
[DOR: 20.1001.1.23452617.1399.12.46.2.4]

که آیا مشتریانشان موقعیت مالی تهاجمی (پرخاشگر) را دنبال می‌کنند که ممکن است در ناحیه خاکستری قرار گیرد و توسط مقامات مالیاتی شناسایی شود (گالمور، میدو و تورنوک[1]، ۲۰۱۴؛ گیونتر، ماتسوناگا و ویلیامز[2]، ۲۰۱۷). پژوهش‌های اخیر نشان داد که مؤسسات حسابرسی با کیفیت بالا انگیزه‌ای برای مشارکت در اجتناب مالیاتی شرکت‌ها ندارند؛ چرا که اگر مقامات مالیاتی موقعیت‌های تهاجمی (مخاطره‌آمیز) را شناسایی کنند، عواقب زیان‌باری برای آن‌ها به همراه خواهد داشت که ممکن است پس از افشای عمومی رفتارهای اجتناب مالیاتی آن‌ها، شهرت و اعتماد خود را از دست دهند (هانلون و سلمرود[3]، ۲۰۰۹). در خصوص تأثیر کیفیت حسابرسی بر فعالیت‌های اجتناب مالیاتی؛ عمده شواهد تجربی موجود نشان می دهد که به‌کارگیری مؤسسات حسابرسی باکیفیت، موجب کاهش اجتناب مالیاتی شرکت‌ها می‌گردد. به‌طور مثال، خانی، ایمانی و ملایی (۱۳۹۲) نشان دادند شرکت‌هایی که حسابرس آن‌ها متخصص صنعت باشد؛ کمتر مرتکب فعالیت‌های اجتناب مالیاتی می‌شوند. به‌طور مشابه، خواجوی و کیامهر (۱۳۹۴) شواهدی مبنی بر وجود رابطه منفی بین کیفیت حسابرسی و اجتناب مالیاتی شرکت‌ها ارائه نمودند. کلاسن، لیسوفسکی و مسکال[4] (۲۰۱۵) نیز در پژوهش خود به این نتیجه رسیدند که شرکت‌هایی که توسط مؤسسات حسابرسی باکیفیت‌تر حسابرسی شده‌اند، از فعالیت‌های اجتناب مالیاتی کمتری برخوردارند. همچنین، کاناگارتنام، لی، بی، لیم و لوبو[5] (۲۰۱۶) نیز دریافتند که به‌کارگیری مؤسسات حسابرسی باکیفیت‌تر، باعث کاهش اجتناب مالیاتی شرکت‌ها می‌گردد؛ بنابراین، استدلال می‌شود که کیفیت حسابرسی بتواند تأثیر مالکیت خانوادگی بر اجتناب مالیاتی شرکت را تعدیل نماید. بر این اساس، فرضیه دوم پژوهش به شرح زیر ارائه می‌شود:

فرضیه دوم پژوهش: اثر مثبت مالکیت خانوادگی بر اجتناب مالیاتی شرکت‌ها، با کیفیت حسابرسی بهتر کاهش می‌یابد.

بنابراین در صورت تحقق‌بخش دوم استدلال در نظریه نمایندگی، کیفیت حسابرسی می‌تواند اینجا مؤثر افتد؛ به عبارتی اگر مطابق استدلال بخش نخست مبانی نظری که بیان‌شده در شرکت‌های خانوادگی تضاد نمایندگی بین مالک و مدیر کم است و اجتناب مالیاتی کاهش

1 Gallemore, Maydew and Thornock
2 Guenther, Matsunaga and Williams
3 Hanlon and Slemrod
4 Klassen, Lisowsky and Mescall
5 Kanagaretnam, Lee, Bee, Lim and Lobo

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-24]
[DOR: 20.1001.1.23452617.1399.12.46.2.4]

یابد (اثر منفی مالکیت خانوادگی بر اجتناب مالیاتی)، دیگر نیازی به آزمون این فرضیه نخواهد بود.

۲-۳- پیشینه پژوهش

چایز، گئرتنر، کاوسار واتسون[1] (۲۰۱۸) در پژوهشی "اطمینان بیش از حد مدیریت بر اجتناب مالیاتی" را موردمطالعه قرار دادند. نتایج این پژوهش نشان داد اعتمادبه‌نفس بیش از حد مدیران بر اجتناب مالیاتی تأثیر مثبت معناداری می‌گذارد.

گایا و همکاران (۲۰۱۷) در پژوهشی به "بررسی رابطه بین مالکیت خانوادگی و اجتناب مالیاتی با نقش تعدیلی کیفیت حسابرسی" پرداختند و به این نتیجه رسیدند که بین مالکیت خانوادگی و اجتناب مالیاتی رابطه مثبت و معنادار وجود دارد و همچنین کیفیت حسابرسی رابطه بین مالکیت خانوادگی و اجتناب مالیاتی را تعدیل می‌کند.

لی، لیم و لوبو[2] (۲۰۱۶) در پژوهشی به "بررسی رابطه کیفیت حسابرسی و اجتناب مالیاتی با استفاده از نمونه‌ای بین‌المللی از شرکت‌های ۳۱ کشور" پرداختند و به این نتیجه رسیدند که در کشورهایی که حفاظت از سرمایه‌گذاران قوی‌تر، خطر محاکمه حسابرسان بالاتر، محیط حسابرسی بهتر و فشار بازار سرمایه بالاتر است، رابطه منفی بین کیفیت حسابرسان و اجتناب مالیاتی وجود دارد.

پارک، کو، یونگ و لی[3] (۲۰۱۶) در پژوهشی به "بررسی رابطه بین توانایی مدیریت و اجتناب مالیاتی در کشور کره" پرداختند و به این نتیجه دست یافتند که بین اجتناب مالیاتی و ارزش شرکت رابطه منفی وجود دارد. همچنین، نتایج پژوهش نشان می‌دهد که توانایی مدیریت رابطه منفی بین اجتناب مالیاتی و ارزش شرکت را کاهش می‌دهد.

آرمسترانگ، بلوین، جاگولینزر و لارکر[4] (۲۰۱۵) در پژوهشی با عنوان "حاکمیت شرکتی، انگیزه و اجتناب از مالیات"، به این نتیجه رسیدند که هیچ ارتباطی بین مکانیزم‌های حاکمیت شرکتی و اجتناب از مالیات وجود ندارد. با این وجود، بین استقلال هیئت‌مدیره و پیچیدگی مالی رابطه‌ای مثبت برای سطح پایین اجتناب مالیاتی وجود دارد، اما برای میزان بالای اجتناب مالیاتی رابطه منفی وجود دارد.

1 Chyz, Gaertner, Kausar and Watson
2 Lee, Lim and Lobo
3 Park, Ko, Jung and Lee
4 Armstrong, Blouin, Jagolinzer and Larcker

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-24]
[DOR: 20.1001.1.23452617.1399.12.46.2.4]

گالمور و لابرو[1] (۲۰۱۵) به "بررسی اهمیت محیط اطلاعاتی داخلی بر اجتناب مالیاتی شرکت‌های آمریکایی طی سال‌های ۱۹۹۴ تا ۲۰۱۰" پرداختند. نتایج پژوهش آن‌ها حاکی از آن بود که شرکت‌های دارای کیفیت اطلاعات داخلی بالاتر از اجتناب مالیاتی کمتری برخوردارند.

جیمز و اسکات[2] (۲۰۱۴) به‌طور مستقیم "رابطه بین تضاد نمایندگی را با اجتناب مالیاتی شرکت‌ها" بررسی کردند. نتایج بررسی آن‌ها نشان داد که تضاد نمایندگی به‌طور مثبت و معناداری با اجتناب مالیاتی رابطه دارد.

معطوفی و پورداداشی (۱۳۹۸) در پژوهشی به "بررسی رابطه سهامداران کنترلی و اجتناب مالیاتی با توجه به نقش تعدیلی مالکیت خانوادگی و کمیته حسابرسی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران" پرداختند. نتایج آزمون فرضیه‌های پژوهش حکایت از آن داشت که اثر تعدیلی مالکیت خانوادگی و کمیته حسابرسی، تأثیر منفی و معنادار سهامداران کنترلی بر اجتناب مالیاتی را تقویت می‌کنند.

نقش‌بندی و حسین‌نژاد مقدم (۱۳۹۷) "تأثیر کیفیت حسابرسی و رابطه بین مالکیت خانواده و اجتناب مالیاتی" را مورد بررسی قرار دادند. در این پژوهش نویسندگان بیان کردند که بین مالکیت خانوادگی و اجتناب مالیاتی رابطه معناداری وجود دارد و کیفیت حسابرسی بر رابطه بین مالکیت خانوادگی و اجتناب مالیاتی تأثیر معناداری دارد؛ اما در پژوهش مذکور مشخص نگردید که متغیرهای پژوهش چگونه سنجیده شده و نتیجه‌گیری پژوهش به چه صورتی انجام شد؛ همچنین تحلیلی در رابطه با نتایج فوق و ارائه پیشنهاداتی با توجه به نتایج پژوهش انجام نشد که با توجه به کدام نظریه چنین نتیجه‌گیری به عمل آمد.

خدامی پور و شیبانی تذرجی (۱۳۹۷) طی پژوهشی "تأثیر تمرکز مشتری بر اجتناب مالیاتی" را مورد بررسی قرار دادند. یافته‌های پژوهش بیانگر آن بود که تمرکز مشتری شرکت دارای تأثیر مثبت و معنادار بر فعالیت‌های اجتناب مالیاتی آن است.

تحریری و خوئینی (۱۳۹۶) در پژوهشی با عنوان "کیفیت اطلاعات داخلی، کیفیت افشا و اجتناب مالیاتی شرکت‌ها"، به این نتیجه رسیدند هرچه کیفیت اطلاعات داخلی بیشتر باشد، اجتناب از مالیات بالاتر خواهد بود و اثر مثبت آن در شرکت‌هایی که با عدم قطعیت بالاتری همراه هستند، بیشتر است. همچنین نتایج پژوهش آن‌ها نشان داد که کیفیت بالاتر اطلاعات

1 Gallemore and Labro
2 James and Scott

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-24]
[DOR: 20.1001.1.23452617.1399.12.46.2.4]

داخلی، ریسک ناشی از روش‌های اجتناب مالیاتی را کاهش نمی‌دهد درحالی‌که کیفیت افشای بالاتر، با اجتناب از مالیات کمتری همراه است.

کمالی منفرد و علی احمدی (۱۳۹۶) در پژوهشی با "عنوان تأثیر توانایی مدیریت بر اجتناب مالیاتی و ارزش شرکت با استفاده از روش تحلیل پوششی داده‌ها" به این نتیجه دست یافتند که توانایی مدیریت تأثیر منفی بر اجتناب مالیاتی دارد و این نتیجه مؤید دیدگاه مبتنی بر تئوری نمایندگی است. همچنین، نتایج پژوهش نشان می‌دهد که اجتناب مالیاتی و تعامل آن با توانایی مدیریت بر ارزش بازار شرکت تأثیر معناداری ندارد و نمی‌تواند بر واکنش سرمایه‌گذاران در بازار سرمایه مؤثر واقع شود.

حسنی القار و شعری‌آناقیز (۱۳۹۶) در پژوهشی با "عنوان بررسی تأثیر توانایی مدیریت بر اجتناب مالیاتی"، برای اندازه‌گیری اجتناب مالیاتی از دو شاخص نرخ مؤثر مالیات نقدی و تفاوت سود حسابداری و سود مشمول مالیات استفاده کردند که نتایج حاصل نشان داد توانایی مدیریت، تأثیر مثبت معناداری بر اجتناب مالیاتی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران دارد.

آقایی، حسنی و اسدی (۱۳۹۵) در پژوهشی با عنوان "اهمیت محیط اطلاعات داخلی برای اجتناب مالیاتی در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران"، به این نتایج رسیدند که بین دقت پیش‌بینی سود مدیران و اجتناب از پرداخت مالیات رابطهٔ مثبت برقرار می‌باشد.

اسدی، خدری و شایسته (۱۳۹۵) به بررسی "رابطه بین مالکیت نهادی و مالکیت دولتی با اجتناب مالیاتی" پرداختند و بیان کردند که با افزایش درصد مالکیت سهامداران نهادی اجتناب از پرداخت مالیات افزایش می‌یابد. همچنین نتایج پژوهش آن‌ها نشان داد که بین مالکیت دولتی و اجتناب از پرداخت مالیات رابطه مستقیم و معناداری وجود دارد.

فخاری و فصیح (۱۳۹۵) در پژوهشی با عنوان "تأثیر مالکیت خانوادگی بر ساختار سرمایه شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران (مبتنی بر تئوری نمایندگی)"، نشان دادند که مالکیت خانوادگی تأثیر مثبت و معناداری بر ساختار سرمایه شرکت‌های مورد بررسی دارد. هم چنین رشد و سودآوری هم اثر تعدیل‌کننده مثبت و معنی‌داری بر رابطه بین مالکیت خانوادگی و ساختار سرمایه شرکت‌ها در بازار سرمایه ایران دارد.

مشایخی و سیدی (۱۳۹۴) در پژوهشی "رابطهٔ برخی از معیارهای حاکمیت شرکتی؛ شامل درصد مالکیت نهادی، استقلال هیئت‌مدیره و اندازه هیئت‌مدیره و اجتناب مالیاتی شرکت‌ها" را مورد بررسی قرار دادند. نتیجهٔ پژوهش مبین آن بود که رابطهٔ معناداری بین حاکمیت شرکتی و اجتناب مالیاتی وجود ندارد.

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-24]

[DOR: 20.1001.1.23452617.1399.12.46.2.4]

هشی و علیخانی (۱۳۹۴) در پژوهشی با عنوان "بررسی رابطه بین مالکیت خانوادگی و مالکیت غیرخانوادگی بر عملکرد شرکت‌ها"، نشان دادند که بین مالکیت خانوادگی و عملکرد شرکت‌ها رابطه منفی و همچنین بین مالکیت غیر خانوادگی و عملکرد شرکت‌ها رابطه مثبت وجود دارد.

روستایی دره میانه، دیانتی دیلمی و بنی‌مهد (۱۳۹۴) "رابطه بین استراتژی تجاری و سطح اجتناب مالیاتی شرکت" را مورد بررسی قرار دادند. نتایج پژوهش بیانگر آن است که شرکت‌هایی که به دنبال حداقل کردن هزینه‌ها هستند، نسبت به شرکت‌هایی که به دنبال فرصت رشد بیشتر و نوآوری در تولید هستند، از اجتناب مالیاتی پایین‌تری برخوردارند.

۳- روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر از نظر هدف، کاربردی و از نظر شیوه گردآوری داده‌ها از نوع پژوهش‌های نیمه‌تجربی پس‌رویدادی است که با استفاده از روش رگرسیون چند متغیره و مدل‌های اقتصادسنجی انجام شده است. جامعه آماری موردمطالعه در این پژوهش را شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی سال‌های ۱۳۹۲ الی ۱۳۹۶ تشکیل می‌دهند و نمونه انتخابی پژوهش نیز شرکت‌هایی می‌باشند که مجموعه شرایط زیر را دارا باشند:

۱) شرکت‌هایی که تاریخ پذیرش آن‌ها در سازمان بورس اوراق بهادار قبل از سال ۱۳۹۲ بوده و تا پایان سال ۱۳۹۶ نیز در فهرست شرکت‌های بورسی باشند.
۲) به‌منظور افزایش قابلیت مقایسه، سال مالی آن‌ها منتهی به پایان اسفند ماه باشد.
۳) طی سال‌های مذکور تغییر فعالیت یا تغییر سال مالی نداده باشند.
۴) جزء شرکت‌های سرمایه‌گذاری و واسطه‌گری مالی نباشند (شرکت‌های سرمایه‌گذاری به علت تفاوت ماهیت فعالیت با بقیه شرکت‌ها در جامعه آماری منظور نشدند).

پس از اعمال محدودیت‌های فوق تعداد ۱۲۶ شرکت به عنوان نمونه آماری پژوهش انتخاب شدند. داده‌های پژوهش حاضر با مراجعه به صورت‌های مالی و یادداشت‌های توضیحی همراه صورت‌های مالی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران موجود در سامانه کدال، پایگاه اینترنتی بورس اوراق بهادار و نرم‌افزار ره‌آورد نوین استخراج گردید. جهت تجزیه و تحلیل نهایی داده‌ها نیز از نرم‌افزارهای اقتصادسنجی Stata نسخه ۱۴ استفاده شده است.

۴- مدل و متغیرهای پژوهش و نحوه اندازه‌گیری آن‌ها

به‌منظور آزمون فرضیه‌های پژوهش به پیروی از گایا و همکاران (۲۰۱۷)، از مدل رگرسیون چند متغیره زیر استفاده شده است:

مدل (۱)

$$TAX_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 FOWN_{i,t} + \beta_2 AUDQ_{i,t} + \beta_3 FOWN*AUDQ_{i,t} + \beta_4 SIZE_{i,t} + \beta_5 LEV_{i,t} + \beta_6 ROA_{i,t} + \beta_7 GWTH_{i,t} + \beta_8 PPE_{i,t} + \beta_9 INTANG_{i,t} + \varepsilon_{i,t}$$

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-24]
[DOR: 20.1001.1.23452617.1399.12.46.2.4]

که در مدل فوق:

$TAX_{i,t}$، اجتناب مالیاتی شرکت i در سال t؛ $FOWN_{i,t}$، مالکیت خانوادگی شرکت i در سال t؛ $AUDQ_{i,t}$ ، کیفیت حسابرسی شرکت i در سال t؛ $FOWN*AUDQ_{i,t}$، اثر تعاملی کیفیت حسابرسی بر مالکیت خانوادگی شرکت i در سال t؛ $SIZE_{i,t}$، اندازه شرکت، معادل لگاریتم طبیعی دارائی‌های شرکت i در سال t؛ $LEV_{i,t}$، اهرم مالی شرکت i در سال t؛ $ROA_{i,t}$، بازده دارایی‌های شرکت i در سال t؛ $GWTH_{i,t}$، فرصت‌های رشد شرکت i در سال t؛ $PPE_{i,t}$، نسبت دارایی‌های ثابت شرکت i در سال t؛ $INTANG_{i,t}$، نسبت دارایی‌های نامشهود شرکت i در سال t؛ و $\varepsilon_{i,t}$، جزء خطای مدل رگرسیون می‌باشد. در ادامه به معرفی هر یک از متغیرهای پژوهش پرداخته می‌شود.

الف- متغیر وابسته

اجتناب مالیاتی (TAX) به‌عنوان متغیر وابسته پژوهش حاضر در نظر گرفته شده که برای اندازه‌گیری آن از دو سنجه زیر استفاده‌شده است.

اولین سنجه مبتنی بر نرخ مؤثر مالیاتی شرکت (ETR) است که اشاره به نسبت کل هزینه مالیات به درآمد قبل از مالیات دارد. این اندازه‌گیری به‌طور گسترده‌ای در مطالعات اخیر (لانیس و ریچاردسون، ۲۰۱۱؛ مینیک و نوگا، ۲۰۱۰؛ چن و همکاران، ۲۰۱۰؛ گایا و همکاران، ۲۰۱۷؛ ژیا، کائو و چان[1]، ۲۰۱۷) استفاده شده است. نرخ مؤثر مالیاتی یک معیار مناسب برای ارزیابی رفتار اجتناب از مالیات شرکت‌ها به دلایل مختلف است. نرخ مؤثر مالیاتی می‌تواند هر نوع کاهش مالیات را از طریق پناهگاه‌های مالیاتی و نقاط ضعف موجود در قوانین مالیاتی شناسایی کند (دیرنگ، هانلون، میدو و تورنوک[2]، ۲۰۱۷). نرخ مؤثر مالیاتی یک تابع معکوس از اجتناب مالیاتی است، زیرا مقادیر کمتر نرخ مؤثر مالیات، به دخالت بیشتری در اجتناب مالیات شرکت‌ها اشاره دارد (فرانک، لینچ و رگو[3]، ۲۰۰۹). ازآنجاکه هر چه نرخ مؤثر مالیاتی شرکت کمتر باشد، میزان اجتناب مالیاتی آن شرکت بیشتر است، لذا نرخ‌های مالیاتی محاسبه شده، در عدد منفی یک (۱-) ضرب می‌شود.

دومین سنجه اجتناب مالیاتی، نرخ مؤثر مالیاتی جریان نقد عملیاتی ($CFETR$) می‌باشد و از نسبت کل هزینه مالیات به جریان‌های نقدی حاصل از فعالیت‌های عملیاتی محاسبه می‌شود (لانیس و ریچاردسون، ۲۰۱۱؛ ریچاردسون و همکاران، ۲۰۱۳). این اندازه‌گیری بر اساس

1 Xia, Cao and Chan
2 Dyreng, Hanlon, Maydew and Thornock
3 Frank, Lynch and Rego

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-24]
[DOR: 20.1001.1.23452617.1399.12.46.2.4]

اطلاعاتی از صورت جریان وجوه نقد است که می‌تواند تأثیر مدیریت سود را نادیده بگیرد (حذف کند) (چن و همکاران، ۲۰۱۴). ازآنجاکه هر چه نرخ مؤثر مالیاتی جریان نقد عملیاتی شرکت کمتر باشد، میزان اجتناب مالیاتی آن شرکت بیشتر است، لذا نرخ‌های مالیاتی محاسبه شده، در عدد منفی یک (۱-) ضرب می‌شود.

ب- متغیر مستقل

متغیر مستقل پژوهش مالکیت خانوادگی است. در این پژوهش به پیروی از پژوهش مهرآذین، قبدیان، فروتن و تقی‌پور (۱۳۹۲) و معطوفی و گلچوبی (۱۳۹۶)، از یکی از دو شرط زیر برای تعریف شرکت‌های خانوادگی در ایران استفاده شده است:

الف) سهامدار حقیقی مالک حداقل ۲۰ درصد سهام عادی شرکت باشد و یا؛

ب) یکی از اعضای هیئت‌مدیره، خود، به‌تنهایی مالک حداقل ۵ درصد سهام عادی و یا مجموع سهام عضو حقیقی هیئت‌مدیره و اعضای خانواده و فامیل وی، حداقل ۵ درصد مجموع سهام عادی شرکت باشد.

از این رو در پژوهش حاضر، اگر شرکتی یکی از ویژگی‌های فوق را داشته باشد، خانوادگی تلقی شده و عدد یک را می‌پذیرد و در غیر این صورت عدد صفر به آن اختصاص داده می‌شود.

ج- متغیر تعدیل‌گر

متغیر تعدیلی مورد استفاده در این پژوهش، کیفیت حسابرسی است. در پژوهش‌های قبلی نشان داده شده است که اندازه و بزرگی مؤسسات حسابرسی رابطه مستقیمی با کیفیت کار آن‌ها دارد. به‌عبارت‌دیگر، هرچه اندازهٔ مؤسسات حسابرسی بزرگ‌تر باشد، کیفیت اطلاعات شرکت‌هایی که توسط آن‌ها حسابرسی می‌شوند بالاتر است. زیرا مؤسسات حسابرسی بزرگ، حسابرسان باتجربه‌تر و سیستم نظارتی بهتری در اختیار دارند و حاضر نیستند تا شهرت خود را در مقابل کیفیت پایین حسابرسی از دست دهند (کالپور، سانکاراگوروسوامی و زنگ[1]، ۲۰۰۸؛ چوی، مایرز، زنگ و زیبارت[2]، ۲۰۱۰). پائولین[3] (۲۰۰۷) و کلینچ، استوکس و ژو[4] (۲۰۱۲) نیز معتقدند که مؤسسات حسابرسی بزرگ‌تر در مقایسه با سایر مؤسسات از تعداد صاحبکاران بیشتری برخوردار بوده و در صورت ارائه خدمات حسابرسی با کیفیت پایین، بخش عمده‌ای از شهرت خود در بازار را از دست خواهند داد. لذا این‌گونه مؤسسات به‌منظور حفظ شهرت خود،

1 Kallapur, Sankaraguruswamy and Zang
2 Choi, Myers, Zang ans Ziebart
3 Pauline
4 Clinch, Stokes and Zhu

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-24]
[DOR: 20.1001.1.23452617.1399.12.46.2.4]

انگیزه بیشتری برای ارائه خدمات حسابرسی باکیفیت‌تر دارند. همچنین، کیلگر[1] (۲۰۰۷) و راسمین[2] (۲۰۱۰) بیان می‌کنند که مؤسسات حسابرسی بزرگ، به دلیل دسترسی به منابع، تکنولوژی و امکانات بیشتر برای آموزش حسابرسان خود و انجام آزمون‌های مختلف خدمات حسابرسی با کیفیت بالاتری را ارائه می‌نمایند؛ بنابراین با توجه به استدلال فوق، انتظار می‌رود که هر چه اندازه مؤسسات حسابرسی بزرگ‌تر باشد، کیفیت حسابرسی آن نیز بالاتر است. لذا در این پژوهش، اندازه موسسه حسابرسی به‌عنوان سنجه کیفیت حسابرسی در نظر گرفته شده است. متغیر مذکور، متغیری مجازی است که اگر حسابرس شرکت سازمان حسابرسی و یا مؤسسات حسابرسی با رتبه الف باشد، به عنوان موسسه حسابرسی بزرگ و با کیفیت بالا محسوب شده و به آن شرکت عدد ۱ و در غیر این صورت به آن عدد ۰ اختصاص می‌یابد (ثقفی و معتمدفاضل،۱۳۹۰؛ صفری گرایلی و رضائی پیته‌نوئی، ۱۳۹۶).

د- متغیرهای کنترلی

اندازه شرکت: شرکت‌های بزرگ به دلیل قدرت اقتصادی و اجتماعی، بیشتر از شرکت‌های کوچک در فعالیت‌های اجتناب مالیاتی شرکت می‌کنند (لین، تانگ و تاکر[3]، ۲۰۱۴؛ ریچاردسون و همکاران، ۲۰۱۳). برای سنجش اندازه شرکت، همانند پژوهش گایا و همکاران (۲۰۱۷) از لگاریتم طبیعی دارائی‌های پایان دوره شرکت استفاده شده است.

اهرم مالی: در این پژوهش، اهرم مالی به عنوان یکی دیگر از متغیرهای کنترلی به کار گرفته شده است که از طریق نسبت کل بدهی به دارایی‌های شرکت اندازه‌گیری می‌شود. هر شرکتی که از اهرم بالاتری برخوردار باشد به همان میزان نیز بار مالیاتی آن کمتر خواهد بود (گاپتا و نیوبری[4]، ۱۹۹۷). لیکن شرکتی که از نرخ مالیاتی بالاتری برخوردار باشد انگیزه بیشتری برای استفاده از تأمین مالی بدهی جهت کاهش بار مالیاتی خود برخوردار است، بنابراین انتظار می‌رود ارتباط مثبت بین اهرم مالی و اجتناب مالیاتی شرکت وجود داشته باشد (ریچاردسون و همکاران، ۲۰۱۳؛ دراشید و ژانگ[5]، ۲۰۰۳؛ گراهام و تاکر[6]، ۲۰۰۶).

1 Kilgore
2 Rusmin
3 Lin, Tong and Tucker
4 Gupta and Newberry
5 Derashid and Zhang
6 Graham and Tucker

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-24]
[DOR: 20.1001.1.23452617.1399.12.46.2.4]

بازده دارایی: شرکت‌های سودآور انگیزه بیشتری برای شرکت در اجتناب مالیاتی دارند تا هزینه مالیاتی خود را کاهش دهند (لانیس و ریچاردسون، ۲۰۱۲؛ گایا و همکاران، ۲۰۱۷). در این پژوهش بازده دارایی شرکت از تقسیم سود خالص بر دارایی‌های شرکت محاسبه شده است.

فرصت‌های رشد: نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام برای کنترل فرصت‌های رشد در نظر گرفته شده است. پژوهش‌های اخیر بیان می‌کنند که شرکت‌هایی با فرصت‌های رشد بالا انگیزه بیشتری برای اجتناب مالیاتی دارند (ریچاردسون و همکاران، ۲۰۱۳؛ چن و همکاران، ۲۰۱۰).

نسبت دارایی ثابت: این متغیر که بر اساس نسبت دارایی ثابت نظیر اموال، ماشین‌آلات و تجهیزات به دارایی‌های شرکت اندازه‌گیری می‌شود، در پژوهش‌های ژیا و همکاران (۲۰۱۷) و لینگ، میدو، لیاندونگ و لو[1] (۲۰۱۷) نیز به عنوان متغیر کنترلی در نظرگرفته شده است.

نسبت دارایی نامشهود: از تقسیم دارایی نامشهود بر دارایی‌های شرکت محاسبه شده و در پژوهش لینگ و همکاران (۲۰۱۷) نیز کنترل شده است.

ازآنجاکه در این پژوهش برای سنجش اجتناب مالیاتی از دو سنجه (*CFETR, ETR*) استفاده شده است، لذا مدل فوق برای هر یک از سنجه‌های اجتناب مالیاتی به‌صورت جداگانه برآورد می‌گردد. به دلیل آن‌که داده‌های ترکیبی از نظر تعداد مشاهدات، پایین بودن احتمال همخطی بین متغیرها، کاهش تورش برآورد و ناهمسانی واریانس بر مدل‌های مقطعی یا سری زمانی برتری دارند (گجراتی، پورتر و گوناسکار[2]، ۲۰۰۹)، به‌منظور برآورد مدل‌های پژوهش از تکنیک داده‌های ترکیبی استفاده شده است.

۵- یافته‌های پژوهش

۵-۱- آمار توصیفی

جدول (۱)، آمار توصیفی متغیرهای مورد آزمون که شامل برخی شاخص‌های مرکزی و پراکندگی می‌باشد را برای نمونه‌ای متشکل از ۶۳۰ شرکت - سال مشاهده در فاصله زمانی سال‌های ۱۳۹۶- ۱۳۹۲ نشان می‌دهد.

1 Ling, Maydew, Liandong and Luo
2 Gujarati, Porter and Gunasekar

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-24]
[DOR: 20.1001.1.23452617.1399.12.46.2.4]

جدول (۱): آمار توصیفی مربوط به متغیرهای پژوهش

متغیر	نماد متغیر	میانگین	میانه	حداقل	حداکثر	انحراف معیار
نرخ مؤثر مالیاتی	*ETR*	-۰/۰۹۶	-۰/۰۷۹	-۰/۶۰۷	۰/۰۰۰	۰/۰۹۴
نرخ مؤثر مالیاتی جریان نقد عملیاتی	*CFETR*	-۰/۱۶۱	-۰/۰۴۱	-۳/۹۴۳	۰/۰۰۰	۰/۴۰۵
اندازه شرکت	*SIZE*	۱۴/۵۶۸	۱۴/۳۴۳	۱۰/۵۳۲	۱۹/۳۷۴	۱/۵۷۸
اهرم مالی	*LEV*	۰/۵۹۷	۰/۵۸۴	۰/۰۱۲	۲/۳۱۵	۰/۲۵۹
بازده دارایی	*ROA*	۰/۰۹۹	۰/۰۷۶	-۱/۰۶۳	۰/۷۴۰	۰/۱۶۱
فرصت‌های رشد	*MTB*	۲/۵۶۰	۲/۲۲۷	-۲۹/۴۲۲	۲۹/۴۲۱	۳/۳۳۲
نسبت دارایی ثابت	*PPE*	۰/۲۶۹	۰/۲۳۱	۰/۰۰۰	۰/۸۴۹	۰/۱۸۹
نسبت دارایی نامشهود	*INTANG*	۰/۰۰۶	۰/۰۰۲	۰/۰۰۰	۰/۰۵۶	۰/۰۰۹

همان‌گونه که در این جدول ملاحظه می‌شود، مقدار میانگین سنجه‌های اجتناب مالیاتی شامل نرخ مؤثر مالیاتی (حدود ۱۰ درصد) و نرخ مؤثر مالیاتی جریان نقد عملیاتی (حدود ۱۶ درصد)، حاکی از آن است که با توجه به نرخ قانونی مالیات بر عملکرد شرکت‌های بورسی (۲۲/۵ درصد)، می‌توان گفت به‌طورکلی وضعیت مالیاتی شرکت‌ها با سیاست‌های مالیاتی سازگار نیست. ملاحظه مقدار میانگین متغیر اهرم مالی نیز حاکی از آن است که به‌طور متوسط حدود ۶۰ درصد از دارایی‌های شرکت‌های نمونه از طریق استقراض، تأمین مالی شده‌اند. علاوه بر این، میانگین نسبت سودآوری شرکت‌های نمونه حدود ۱۰ درصد است. نکته قابل‌توجه دیگر این جدول، بیشتر بودن ارزش بازار حقوق صاحبان سهام اغلب شرکت‌های نمونه از ارزش دفتری آن است که ملاحظه مقدار میانگین متغیر فرصت‌های رشد (۲/۵۶۰) در جدول فوق، گواه این مدعاست. جدول (۲) شاخص‌های درصد فراوانی و نما (مد) را برای متغیرهای مجازی ارائه می‌کند:

جدول (۲). درصد فراوانی و نما (مد) برای متغیرهای مجازی

متغیر	نماد متغیر	درصد فراوانی ۱	درصد فراوانی ۰	مد
مالکیت خانوادگی	*FOWN*	٪۱۴/۷۶	٪۸۵/۲۴	۰
کیفیت حسابرسی	*AUDQ*	٪۴۸/۱۶	٪۵۱/۸۴	۰

با توجه به جدول فوق، حدود ۱۵ درصد شرکت‌های مورد بررسی دارای مالکیت خانوادگی هستند و همچنین تقریباً نیمی از صورت‌های مالی شرکت‌های نمونه توسط سازمان حسابرسی و یا مؤسسات حسابرسی با رتبه الف حسابرسی شده‌اند.

۵-۲- نتایج آزمون فرضیه‌ها

نتایج حاصل از آزمون فرضیه‌های پژوهش بر اساس هر یک از دو سنجه اجتناب مالیاتی، در جدول (۳) نشان داده شده است:

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-24]
[DOR: 20.1001.1.23452617.1399.12.46.2.4]

جدول (۳): نتایج برآورد مدل پژوهش بر اساس دو سنجه اجتناب مالیاتی

متغیر	*ETR*				*CFETR*			
	ضریب	انحراف معیار	آماره z	سطح معناداری	ضریب	انحراف معیار	آماره z	سطح معناداری
C	-۰/۰۰۷	۰/۰۰۹	-۰/۷۵	۰/۴۵۷	-۰/۰۲۸*	۰/۰۱۳	۲/۲۱	۰/۰۱۳
FOWN	-۰/۱۹۳	۰/۰۲۶	-۷/۱۹	۰/۰۰۰	-۰/۲۴۰**	۰/۰۳۲	-۷/۴۹	۰/۰۰۰
AUDQ	۰/۰۰۱	۰/۰۰۷	۰/۲۵	۰/۸۰۳	۰/۰۱۵	۰/۰۰۸	۱/۷۶	۰/۰۷۴
FOWN*ADUQ	۰/۰۱۲	۰/۰۴۸	۰/۲۵	۰/۸۰۱	-۰/۱۱۵	۰/۱۱۲	-۱/۰۳	۰/۳۰۲
SIZE	۰/۰۱۱**	۰/۰۰۱	۷/۲۱	۰/۰۰۰	۰/۰۱۴**	۰/۰۰۱	۷/۹۶	۰/۰۰۰
LEV	۰/۰۵۸**	۰/۰۱۴	۴/۰۳	۰/۰۰۰	۰/۰۶۲**	۰/۰۱۸	۳/۴۱	۰/۰۰۰
ROA	۰/۲۴۷**	۰/۰۲۴	۹/۹۶	۰/۰۰۰	۰/۳۷۰**	۰/۰۳۳	۱۰/۹۸	۰/۰۰۰
MTB	۰/۰۰۱*	۰/۰۰۱	۲/۳۹	۰/۰۱۱	۰/۰۰۱	۰/۰۰۱	۰/۷۹	۰/۴۴۹
PPE	-۰/۰۴۲**	۰/۰۱۵	-۲/۶۶	۰/۰۰۹	-۰/۰۰۲	۰/۰۱۶	-۰/۱۸	۰/۸۵۰
INTANG	۰/۱۴۴	۰/۳۰۲	۰/۴۸	۰/۶۷۶	۱/۶۴۰**	۰/۲۵۲	۶/۴۹	۰/۰۰۰
آماره خی‌دو	۲۱۵/۸۷				آماره خی‌دو	۳۷۶/۲۷		
سطح معناداری خی‌دو	۰/۰۰۰				سطح معناداری خی‌دو	۰/۰۰۰		

ملاحظه مقادیر آماره‌های خی در این جدول، بیانگر معناداری کلی مدل‌های رگرسیونی برازش شده در سطح خطای ۵ درصد است. همان‌طور که در جدول فوق ملاحظه می‌شود، ضریب برآوردی و آماره Z مربوط مالکیت خانوادگی (*FOWN*) در هر دو مدل منفی و در سطح خطای ۵ درصد معنادار بوده که حاکی از وجود رابطه منفی معنادار بین مالکیت خانوادگی و اجتناب مالیاتی شرکت می‌باشد. بر این اساس، فرضیه اول پژوهش در سطح خطای ۵ درصد پذیرفته می‌شود. همچنین همان‌طور که در جدول فوق نیز ملاحظه می‌شود، آماره Z مربوط به متغیر تعاملی *FOWN*AUDQ* در هر دو مدل در سطح خطای ۵ درصد معنادار نیست. بدین ترتیب، فرضیه دوم پژوهش در سطح خطای ۵ درصد رد می‌گردد و کیفیت حسابرسی رابطه بین مالکیت خانوادگی و اجتناب مالیاتی شرکت‌ها را تعدیل نمی‌کند.

۶- تجزیه و تحلیل حساسیت

به‌منظور بررسی استحکام و قابلیت اتکای نتایج پژوهش، رابطه بین مالکیت خانوادگی و اجتناب مالیاتی شرکت‌ها براساس تفاوت دفتری مالیات به‌عنوان معیار جایگزین برای سنجش اجتناب مالیاتی، مجدداً مورد بررسی قرار گرفت. تفاوت دفتری مالیات از طریق تفاوت بین سود حسابداری (سود قبل از مالیات) و سود مشمول مالیات شرکت به دست می‌آید که سود مشمول مالیات نیز از تقسیم هزینه مالیات بر نرخ مالیات قانونی محاسبه می‌گردد. به‌منظور همگن‌سازی، این متغیر بر ارزش دفتری کل دارایی‌ها تقسیم‌شده است (ویلسون[1]، ۲۰۰۹؛ لین

1 Wilson

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-24]

[DOR: 20.1001.1.23452617.1399.12.46.2.4]

و همکاران، ۲۰۱۴). جدول (۴) نتایج آزمون فرضیه‌های پژوهش بر اساس معیار جایگزین برای اندازه‌گیری اجتناب مالیاتی را نشان می‌دهد.

جدول (۴): نتایج آزمون فرضیه‌های پژوهش بر اساس معیار جایگزین اجتناب مالیاتی

متغیر	ضریب	انحراف معیار	آماره z	سطح معناداری
C	-۰/۱۳۴	۰/۱۴۱	-۹/۴۶	۰/۰۰۰
FOWN	-۰/۰۲۱	۰/۰۰۶	-۳/۵۶	۰/۰۰۰
AUDQ	۰/۰۰۱	۰/۰۰۴	۰/۱۹	۰/۸۵۱
FOWN*AUDUQ	۰/۰۰۶	۰/۲۸۲	۰/۲۰	۰/۸۴۴
SIZE	۰/۰۶۰	۰/۰۰۸	۷/۰۸	۰/۰۰۰
LEV	۰/۰۰۴	۰/۰۰۱	۲/۸۲	۰/۰۰۵
ROA	۰/۶۵۱	۰/۲۵۰	۲/۶۰	۰/۰۰۹
MTB	۰/۰۰۱	۰/۰۰۱	۱/۰۲	۰/۳۱۰
PPE	-۰/۲۵۴	۰/۰۰۹	-۲/۹۴	۰/۰۰۳
INTANG	۰/۳۹۵	۰/۱۵۷	۲/۵۲	۰/۰۱۲
آماره خی‌دو			۲۷۶/۸۱	
سطح معناداری خی‌دو			۰/۰۰۰	

نتایج بیانگر آن است که مالکیت خانوادگی رابطه منفی و معناداری با اجتناب مالیاتی محاسبه شده بر اساس معیار مذکور دارد و همچنین کیفیت حسابرسی رابطه بین مالکیت خانوادگی و اجتناب مالیاتی شرکت‌ها را تعدیل نمی‌کند. که این یافته با نتایج اصلی پژوهش منطبق است؛ بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت که نتایج پژوهش نسبت به استفاده از معیار جایگزین اجتناب مالیاتی حساس نبوده و از استحکام برخوردار است.

از سوی دیگر با توجه به نتایج پژوهش براساس تئوری نمایندگی، مالکیت خانوادگی منجر به موقعیت‌های اجتناب مالیاتی کمتری می‌شود و در واقع این نتیجه نشان‌دهنده این موضوع است که در شرکت‌های خانوادگی به دلیل تمرکز مالکیت بیشتر و همسویی منافع بین مدیران و مالکان، مسائل نمایندگی و عدم تقارن اطلاعاتی کاهش می‌یابد. در ادامه و در جدول (۵) برای بررسی بیشتر، به مقایسه عدم تقارن اطلاعاتی و هزینه‌های نمایندگی در شرکت‌های خانوادگی و غیر خانوادگی پرداخته می‌شود. برای سنجش عدم تقارن اطلاعاتی از دامنه قیمت خرید و فروش سهام بر اساس مدل وینکتاش و چیانگ[1] (۱۹۸۶) و برای سنجش هزینه‌های نمایندگی از نسبت هزینه‌های عملیاتی به فروش سالانه استفاده شده است.

1 Venkatesh and Chiang

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-24]

[DOR: 20.1001.1.23452617.1399.12.46.2.4]

جدول (۵): آزمون مقایسه میانگین در شرکت‌های خانوادگی و غیرخانوادگی

متغیر	شرکت‌های خانوادگی		شرکت‌های غیرخانوادگی		آماره t	سطح معناداری
	تعداد	میانگین	تعداد	میانگین		
عدم تقارن اطلاعاتی	۹۳	۰/۷۶۸	۵۳۷	۰/۹۷۷	۵/۶۱۴	۰/۰۰۰
هزینه‌های نمایندگی	۹۳	۰/۰۱۵	۵۳۷	۰/۰۲۹	۲/۱۰۴	۰/۰۳۶

با توجه به جدول فوق، ازآنجایی‌که سطح معناداری متغیرهای عدم تقارن اطلاعاتی و هزینه‌های نمایندگی کمتر از ۰/۰۵ به‌دست‌آمده است، فرض برابر میانگین‌ها رد می‌شود. به‌بیان‌دیگر میانگین متغیرهای عدم تقارن اطلاعاتی و هزینه‌های نمایندگی برای شرکت‌های خانوادگی به‌طور معناداری کوچک‌تر از شرکت‌های غیرخانوادگی است و این یافته با نتیجه اصلی پژوهش منطبق است.

۷- نتیجه‌گیری

پژوهش‌های مختلف صورت گرفته به بررسی عوامل مؤثر بر اجتناب مالیاتی شرکت‌ها پرداخته و نشان دادند که یکی از این عوامل، ساختار مالکیت شرکت‌ها می‌باشد. ازاین‌رو، در پژوهش حاضر رابطه بین مالکیت خانوادگی به عنوان یکی از ساختارهای مالکیت، با اجتناب مالیاتی شرکت‌ها و همچنین اثر تعدیلی کیفیت حسابرسی به عنوان یکی از مکانیزم‌های نظارتی بر این رابطه، براساس تئوری نمایندگی مورد آزمون قرار گرفت. نتایج آزمون فرضیه اول پژوهش حاکی از آن است که بین مالکیت خانوادگی و اجتناب مالیاتی رابطه منفی و معنادار وجود دارد. به‌عبارت‌دیگر نتایج بیانگر آن است که مالکان خانوادگی بیشتر از سایرین نگران جریمه‌های بالقوه و لطمه به خوشنامی و اعتبار ناشی از ممیزی دولت می‌باشند و انگیزه کمتری برای اجتناب مالیاتی دارند. مالکان خانوادگی مراقب شهرت و نام شرکتشان هستند زیرا شرکت‌هایشان به‌صورت موروثی به نسل‌های آینده منتقل می‌شود. مالکان خانوادگی شرکت‌های خود را به عنوان میراثی برای انتقال به جانشینان خود در نظر می‌گیرند؛ بنابراین، به‌جای سودآوری کوتاه‌مدت نگران ارزش بلندمدت کسب‌وکار خود هستند. همچنین براساس تئوری نمایندگی، در شرکت‌های خانوادگی به دلیل تمرکز مالکیت بیشتر و همسویی منافع بین مدیران و مالکان، مسائل نمایندگی و عدم تقارن اطلاعاتی کاهش می‌یابد. این استدلال نشان می‌دهد که به عنوان یک ویژگی حاکمیت شرکتی، مالکیت خانوادگی، مشکل بالقوه فرصت‌طلبی مدیریتی را کاهش می‌دهد و منجر به موقعیت‌های اجتناب مالیاتی کمتری می‌شود. نتیجه به‌دست‌آمده در این پژوهش با یافته‌های چن و همکاران (۲۰۱۰) مبنی بر وجود رابطه منفی بین مالکیت خانوادگی در مقابل مالکیت غیرخانوادگی و اجتناب مالیاتی شرکت‌ها، سازگار است؛ اما نتایج این فرضیه با پژوهش گایا و همکاران (۲۰۱۷) مطابقت ندارد؛ زیرا آن‌ها

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-24]
[DOR: 20.1001.1.23452617.1399.12.46.2.4]

دریافتند که مالکیت خانوادگی موجب افزایش فعالیت‌های اجتناب مالیاتی شرکت می‌گردد. در فرضیه دوم پژوهش، اثر تعدیلی کیفیت حسابرسی بر رابطه مثبت بین مالکیت خانوادگی با اجتناب مالیاتی شرکت‌ها مورد بررسی قرار گرفت. در این پژوهش با توجه به فرضیه دوم، انتظار می‌رود مؤسسات حسابرسی با کیفیت در شرکت‌های خانوادگی، بر استراتژی‌های راهبردی شرکت، از جمله برنامه‌های مرتبط با پرداخت مالیات نظارت مؤثری داشته باشند و اثر مثبت مالکیت خانوادگی بر اجتناب مالیاتی شرکت‌ها، با کیفیت حسابرسی بهتر کاهش یابد. به‌عبارتی‌دیگر در صورت مثبت بودن β_1 در مدل پژوهش باید انتظار داشت β_3 منفی باشد.

اما نتیجه حاصل از آزمون این فرضیه حاکی از آن است که کیفیت حسابرسی رابطه بین مالکیت خانوادگی با اجتناب مالیاتی را تعدیل نمی‌کند. از دلایل این امر می‌توان به رابطه منفی بین مالکیت خانوادگی و اجتناب مالیاتی با توجه به نتایج فرضیه اول پژوهش و انگیزه کمتر برای اجتناب مالیاتی در شرکت‌های خانوادگی اشاره نمود (منفی بودن β_1)؛ بنابراین تنها در صورت تحقق‌بخش دوم استدلال در نظریه نمایندگی (اثر مثبت مالکیت خانوادگی بر اجتناب مالیاتی شرکت‌ها و مثبت بودن β_1)، می‌توان انتظار تائید فرضیه دوم پژوهش را داشت؛ به عبارتی اگر در شرکت‌های خانوادگی تضاد نمایندگی بین مالک و مدیر کم باشد و اجتناب مالیاتی کاهش یابد (اثر منفی مالکیت خانوادگی بر اجتناب مالیاتی)، کیفیت حسابرسی رابطه بین مالکیت خانوادگی با اجتناب مالیاتی را تعدیل نمی‌کند. نتایج حاصل از آزمون این فرضیه نیز با پژوهش گایا و همکاران (۲۰۱۷) مطابقت ندارد.

۸- پیشنهادها و محدودیت‌های پژوهش

با توجه به یافته‌ها و نتایج حاصل از این پژوهش به مدیران، سرمایه‌گذاران و اعتباردهندگان پیشنهاد می‌شود با وجود تأثیر مالکیت شرکت به‌ویژه از حیث خانوادگی بودن و یا نبودن آن‌ها به‌منظور جلوگیری از اعمال رفتار فرصت‌طلبانه مدیران و اجتناب مالیاتی شرکت، در تصمیم‌گیری‌های خود به ساختار مالکیت شرکت توجه بیشتری نمایند. همچنین پیشنهاد می‌شود، مقامات مالیاتی در برنامه‌ریزی مالیاتی، نوع مالکیت شرکت به‌خصوص مالکیت خانوادگی را در نظر داشته باشند. علاوه بر این با توجه به نتایج پژوهش، ازآنجاکه مالکیت خانوادگی موجب کاهش فعالیت‌های اجتناب مالیاتی شرکت می‌گردد؛ لذا به مؤسسات حسابرسی پیشنهاد می‌گردد که در ارزیابی خود از سطح ریسک شرکت صاحبکار و برنامه‌ریزی عملیات حسابرسی در کنار سایر عوامل، به ساختار مالکیت شرکت‌ها ازجمله مالکیت خانوادگی توجه داشته باشند تا به درک صحیح از رفتار مالیاتی شرکت‌ها دست یابند.

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-24]

[DOR: 20.1001.1.23452617.1399.12.46.2.4]

با توجه به محدود بودن جامعه آماری به شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، تسری نتایج به سایر شرکت‌ها باید با احتیاط انجام شود. در ادامه به پژوهشگران آتی نیز توصیه می‌شود که تأثیر انواع دیگر مالکیت بر اجتناب مالیاتی شرکت‌ها بررسی گردد. همچنین، پیشنهاد می‌شود که نقش تعدیل‌کنندگی سهامداران نهادی به‌عنوان یکی دیگر از ابزارهای نظارتی بر رابطه بین مالکیت خانوادگی و اجتناب مالیاتی شرکت موردمطالعه قرار گیرد.

۹- منابع و مأخذ

آقایی، محمدعلی؛ حسن حسنی و زینب اسدی. (۱۳۹۵). اهمیت محیط اطلاعات داخلی برای اجتناب مالیاتی در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران. **پژوهش‌های حسابداری مالی** ۸(۴): ۳۶-۱۷.

اسدی، مسلم؛ نادر خدری و هادی شایسته. (۱۳۹۵). بررسی رابطه بین مالکیت نهادی و مالکیت دولتی با اجتناب مالیاتی در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران. **اولین کنفرانس بین‌المللی تکنیک‌های مدیریت و حسابداری**، تهران.

تحریری، آرش و مهین خوئینی. (۱۳۹۶). کیفیت اطلاعات داخلی، کیفیت افشا و اجتناب مالیاتی شرکت‌ها. **دانش حسابداری مالی** ۴(۱): ۱۲۰-۱۰۱.

ثقفی، علی و مجید معتمدی فاضل. (۱۳۹۰). رابطه میان کیفیت حسابرسی و کارایی سرمایه‌گذاری در شرکت‌های با امکانات سرمایه‌گذاری بالا. **پژوهش‌های حسابداری مالی** ۳(۴): ۱۴-۱.

حسنی القار، مسعود و صابر شعری آناقیز. (۱۳۹۶). بررسی تأثیر توانایی مدیریت بر اجتناب مالیاتی. **دانش حسابداری** ۸(۱): ۱۳۴-۱۰۷.

خانی، عبدالله؛ کریم ایمانی و مهنام ملایی. (۱۳۹۲). بررسی رابطه بین تخصص حسابرس در صنعت و اجتناب مالیاتی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، **دانش حسابرسی** ۱۳(۵۱): ۶۸-۴۳.

خدامی پور، احمد و عباس شیبانی تذرجی. (۱۳۹۷). بررسی نقش تعدیلی مدیریت سود واقعی بر ارتباط بین تمرکز مشتری و اجتناب مالیاتی - شواهدی از بورس اوراق بهادار تهران، **دانش حسابداری** ۹(۲): ۱۲۹-۱۰۳.

خواجوی، شکراله و محمد کیامهر. (۱۳۹۴). بررسی رابطهٔ بین کیفیت حسابرسی و اجتناب مالیاتی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. **پژوهشنامه مالیات** ۲۶: ۱۰۸-۸۷.

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-24]

[DOR: 20.1001.1.23452617.1399.12.46.2.4]

دیانتی دیلمی، زهرا؛ بهمن بنی مهد و الهام روستایی دره میانه. (۱۳۹۴). رابطه بین استراتژی تجاری شرکت و سطح اجتناب مالیاتی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. **پژوهشنامه مالیات** ۲۳(۲۵): ۱۵۶-۱۲۳.

صفری گرایلی، مهدی و شیوا پودینه. (۱۳۹۵). اجتناب مالیاتی و به‌موقع بودن اعلان سود در شرکت‌های پذیرفته شده بورس اوراق بهادار تهران. **پژوهشنامه مالیات** ۲۴(۳۱): ۱۱۸-۱۰۲.

صفری گرایلی، مهدی و یاسر رضائی پیته‌نوئی. (۱۳۹۶). ارائه مدل رابطه دینداری مدیران و ریسک سقوط قیمت سهام با تأکید بر نقش تعدیلی حاکمیت شرکتی، **حسابداری مالی** ۳۵: ۷۲-۴۹.

فخاری، حسین و الهام فصیح. (۱۳۹۵). تأثیر مالکیت خانوادگی بر ساختار سرمایه شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران (مبتنی بر تئوری نمایندگی). **دانش سرمایه‌گذاری** ۵(۲۰): ۱۶۴-۱۴۵.

کمالی منفرد، شیما و سعید علی احمدی. (۱۳۹۶). تأثیر توانایی مدیریت بر اجتناب مالیاتی و ارزش شرکت با استفاده از روش تحلیل پوششی داده‌ها. **دانش حسابداری** ۸(۱): ۱۵۴-۱۳۵.

مشایخی، بیتا و سید جلال سیدی. (۱۳۹۴). راهبری شرکتی و اجتناب مالیاتی. **دانش حسابداری** ۶(۲۰): ۱۰۳-۸۳.

معطوفی، علیرضا و آزیتا پورداداشی. (۱۳۹۸). بررسی رابطه سهامداران کنترلی و اجتناب مالیاتی با توجه به نقش تعدیلی مالکیت خانوادگی و کمیته حسابرسی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. **دانش حسابرسی** ۱۹(۷۴): ۱۴۹-۱۲۷.

معطوفی، علیرضا و محمد گلچوبی. (۱۳۹۶). بررسی رابطهٔ مالکیت خانوادگی و سرعت تعدیل در میزان نگهداشت وجه نقد: شواهدی از بورس اوراق بهادار تهران. **پژوهش‌های حسابداری مالی** ۹(۴): ۸۲-۶۱.

مهرآذین، علیرضا؛ بشیر قبدیان؛ امید فروتن و محمد تقی‌پور. (۱۳۹۲). مالکیت خانوادگی و غیرخانوادگی شرکت‌ها و مدیریت سود. **دانش حسابرسی** ۱۳(۳۲): ۱۷۳-۱۵۱.

نقش‌بندی، نادر و حسین حسین‌نژاد مقدم. (۱۳۹۷). تأثیر کیفیت حسابرسی و رابطه بین مالکیت خانواده و اجتناب مالیاتی. **پژوهش‌های جدید در مدیریت و حسابداری** ۱(۱۷): ۱۰۳-۸۳.

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-24]

[DOR: 20.1001.1.23452617.1399.12.46.2.4]

نمازی، محمد و جلال اکبری قورقچی. (۱۳۹۱). بررسی عملکرد شرکت‌های خانوادگی و غیرخانوادگی پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. **حسابداری مالی** ۴(۱۳): ۴۳-۱۶.

هشی، عباس و حمید علیخانی. (۱۳۹۵). بررسی رابطه بین مالکیت خانوادگی و مالکیت غیرخانوادگی بر عملکرد شرکت‌ها، در بورس اوراق بهادار تهران. **تحقیقات حسابداری و حسابرسی** ۲۵: ۴۱-۲۸.

Anderson, R., A. Duru and D. Reeb. (2012). Investment policy in family controlled firms, **Journal of Banking & Finance** 36: 1744-1758.

Andres, C. (2008). Large shareholders and firm performance: an empirical examination of founding-family ownership, **Journal of Corporate Finance** 14(4): 431-445.

Annuar, H.A., I.A. Salihu and S.N.S. Obid. (2014). Corporate Ownership, Governance and Tax Avoidance: An Interactive Effects, **Procedia - Social and Behavioral Sciences** 164: 150–160.

Armstrong, C.S., J.L. Blouin, A.D. Jagolinzer and D.F. Larcker. (2015). Corporate governance, incentives and tax avoidance, **Journal of Accounting and Economics** 60(2): 1-17.

Bae, K., J. Kang and J. Kim. (2002). Tunneling or value added? Evidence from mergers by Korean business groups. **Journal of Finance** 57: 2695-2740.

Bertrand, M., P. Mehta and S. Mullainathan. (2002). Ferreting out tunneling: An application to Indian business groups, **Quarterly Journal of Economics** 117: 121-148.

Casson, M. (1999). The economics of the family firm, **Scandinavian Economics History Review** 47(1): 10-23.

Chen, S., X. Chen, Q. Cheng and T. Shevlin. (2010). Are family firms more tax aggressive than non-family firms? **Journal of Financial Economics** 95(1): 41-61.

Chen, X., N. Hu, X. Wang X. and Tang. (2014). Tax avoidance and firm value: evidence from China, **Nankai Business Review International** 2(1): 25–42.

Choi, J.H., L. Myers, Y. Zang and D. Ziebart. (2010). The roles that forecast surprise and forecast error play in determining management forecast precision, **Accounting Horizon** 24: 165-188.

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-24]

[DOR: 20.1001.1.23452617.1399.12.46.2.4]

Chyz, J., F.B. Gaertner, A. Kausar and L. Watson. (2018). Overconfidence and Aggressive Corporate Tax Policy. **Available at https://ssrn.com/abstract=2408236 or http://dx. doi.org/10.2139/ssrn.2408236.**

Clinch, G., D. Stokes, and T. Zhu. (2012). Audit Quality and Information Asymmetry between Traders, **Accounting and Finance** 52(3): 743−765.

DeAngelo, H. and R. Masulis. (1980). Optimal capital structure under corporate and personal taxation, **Journal of Financial Economics** 8(1): 3-29.

Derashid, C., and H. Zhang. (2003). Effective tax rates and the 'industrial policy' hypothesis: evidence from Malaysia, **Journal of International Accounting Auditing and Taxation** 12(1): 45-62.

Dur´an, R., M.B. Lozanoand and S. Yama. (2016). Is Family Control Relevant for Corporate Cash Holding Policy? **Journal of Business Finance & Accounting** 43(9): 1325–1360.

Dyreng, S., M. Hanlon and E. Maydew. (2008). Long-run corporate tax avoidance, **The Accounting Review** 83(1): 61-82.

Dyreng, S., M. Hanlon, E. Maydew and J. Thornock. (2017). Changes in corporate effective tax rates over the past 25 years, **Journal of Financial Economics** 124(3): 441-563.

El Ghoul, S., O. Guedhami, H. Wang and C. Kwok. (2016). Family control and corporate social responsibility, **Journal of Banking & Finance** 73: 131-146.

Frank, M., L. Lynch and S. Rego. (2009). Tax reporting aggressiveness and its relation to aggressive financial reporting, **The Accounting Review** 84(2): 467-496.

Gaaya, S., L. Nadia and L. Faten. (2017). Does family ownership reduce corporate tax avoidance? The moderating effect of audit quality. **Managerial Auditing Journal** 32(7): 731-744.

Gallemore, J., and E. Labro. (2015). The Importance of the Internal Information Environment for Tax Avoidance. **Journal of Accounting and Economics** 60(1): 149-167.

Gallemore, J., E.L. Maydew and J.R. Thornock. (2014). The reputational costs of tax avoidance, **Contemporary Accounting Research** 31(4): 1103-1133.

Graham, J.R., and A.L. Tucker. (2006). Tax shelters and corporate debt policy, **Journal of Financial Economics** 81(3): 563-594.

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-24]

[DOR: 20.1001.1.23452617.1399.12.46.2.4]

Guenther, D., R. Matsunaga and M. Williams. (2017). Is tax avoidance related to firm risk? **The Accounting Review** 92(1): 115-136.

Gujarati, D.N., D.C. Porter and S. Gunasekar. (2009). **Basic Econometrics**, 5th Edition, New Delhi: Tata McGraw-Hill.

Gupta, S., and K. Newberry. (1997). Determinants of the variability in corporate effective tax rates: evidence from longitudinal data, **Journal of Accounting and Public Policy** 16(1): 1-34.

Hanlon, M., and J. Slemrod. (2009). What does tax aggressiveness signal? Evidence from stock price reactions to news about tax aggressiveness, **Journal of Public Economics** 93(1): 126-141.

Hanlon, M., and S. Heitzman. (2010). A review of tax research. **Journal of Accounting and Economics** 50: 127–178.

James A.C., and D.W. Scott. (2014). The Association between Agency Conflict and Tax Avoidance: A Direct Approach, **Advances in Taxation** 21: 107 – 138.

Jensen, M., and W. Meckling. (1976). Theory of the firm: Managerial behavior, agency costs and ownership structure. **Journal of Financial Economics** 3: 305-360.

Kallapur, S., S. Sankaraguruswamy and Y. Zang. (2008). Audit Market Competition and Audit quality. Research Collection School of Accountancy, **Available at: http://ink.library.smu.edu.sg/soa_research/1662**

Kanagaretnam, K., K. Lee, J. Bee, C. Lim and G. Lobo. (2016). Relation between auditor quality and corporate tax aggressiveness: implications of cross-country institutional differences, **Auditing: A Journal of Practice and Theory** 35(4): 105-135.

Kilgore, A. (2007). Corporate Governance, Professional Regulation and Audit Quality. **Malaysian Accounting Review** 6(1): 65−83.

Klassen, K., P. Lisowsky and D. Mescall. (2015). The role of auditors, non-auditors, and internal tax departments in corporate tax aggressiveness, **The Accounting Review** 91(1): 179-205.

Lanis, R., and G. Richardson. (2011). The effect of board of director composition on corporate tax aggressiveness, **Journal of Accounting and Public Policy** 30(1): 50-70.

Lee, J., C.Y. Lim and G.J. Lobo. (2016). Relation between Auditor Quality and Corporate Tax Aggressiveness: Implications of Cross-

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-24]

[DOR: 20.1001.1.23452617.1399.12.46.2.4]

Country Institutional Differences, **Auditing: A Journal of Practice & Theory** 35(4): 105-135.

Lietz, G. (2013). Determinants and Consequences of Corporate Tax Avoidance, **Available at http://ssrn.com/abstract=2363868.**

Lin, S., N. Tong and A. Tucker. (2014). Corporate tax aggression and debt, **Journal of Banking and Finance** 40(1): 227-241.

Ling, C., E.L. Maydew, Z. Liandong and Z. Luo. (2017). Customer–supplier relationships and corporate tax avoidance. **Journal of Financial Economics** 123(2): 377-394.

Lins, K., P. Volpin and H. Wagner. (2013). Does family control matter? International evidence from the 2008–2009 financial crisis. **Review of Financial Studies** 26: 2583-2619.

Minnick, K., and T. Noga. (2010). Do corporate governance characteristics influence tax management? **Journal of Corporate Finance** 16(5): 703-718.

Park, J., C.Y. Ko, H. Jung, and Y.S. Lee. (2016). Managerial ability and tax avoidance: Evidence from Korea. **Asia-Pacific Journal of Accounting & Economics** 23(4): 1-29.

Pauline, W.Y. (2007). Management Ownership Structure, Audit Quality and Impairment of Assets: Evidence from China. **Doctoral Dissertation**, Hong Kong Polytechnic University.

Randoy, T., and S. Goel. (2003). Ownership structure, founder leadership, and performance in Norwegian SMEs: implications for financing entrepreneurial opportunities, **Journal of Business Venturing** 18(5): 619-637.

Rego, S.O., and R. Wilson. (2012). Equity risk incentives and corporate tax aggressiveness, **Journal of Accounting Research** 50(3): 775-810.

Richardson, G., G. Taylor and R. Lanis. (2013). The impact of board of director oversight characteristics on corporate tax aggressiveness: an empirical analysis, **Journal Accounting Public Policy** 32(3): 68-88.

Rusmin, R. (2010). Auditor Quality and Earnings Management: Singaporean Evidence. **Managerial Auditing Journal** 25(7): 618−638.

Venkatesh, P., and C. Chiang. (1986). Information Asymmetry and the Dealer's Bid-Ask Spread: A Case Study of Earnings and

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-24]

[DOR: 20.1001.1.23452617.1399.12.46.2.4]

Dividend. Announcements. **The Journal of Finance** 41(5): 1089-1102.

Wilson, R. (2009). An examination of corporate tax shelter participants, **The Accounting Review**, 84(3), 969-999.

Wolk, H.I., J. Dodd and J. Rozycki. (2013). **Theory Accounting, Conceptual Issues in a Political and Economic Environment**, Edition 8, United Stated of American, Sega publications.

Xia, C., C. Cao and Chan, K .C. (2017). Social trust environment and firm tax avoidance: Evidence from China. **The North American Journal of Economics and Finance** 42: 374-392.

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-24]

[DOR: 20.1001.1.23452617.1399.12.46.2.4]